

رویکرد جامعه‌شناختی به نقش روحانیت و امر سیاسی در تأسیس انقلاب اسلامی

* سید هاشم منیری

** سید حسین اطهری

چکیده

با پیروزی انقلاب اسلامی و درهم‌تنیدگی روحانیت و امر سیاسی برآمده از آن، کارویژه‌های سیاسی از درون کارویژه‌های مذهبی سرچشمه گرفته است. بررسی مقوله واحد دین و سیاست و تأسیس نظام اسلامی یکی از اهداف اولیه این پژوهش است که تلاش دارد به این پرسش پاسخ دهد که چه رابطه‌ای عینی و ذهنی بین امر سیاسی و روحانیت در تأسیس انقلاب اسلامی پدیدار شده و روحانیت از چه کارکردهایی برخوردار بوده است. در پاسخ به این پرسش فرضیه بر این استوار است که حفظ و تقویت وحدت و همبستگی ملی - اسلامی از جمله مهم‌ترین کارکردهای نهادی مؤثر است که نقش روحانیت را در تکوین نظام اسلامی برجسته می‌سازد. یافته‌های پژوهش که به روش تحلیلی و مبتنی بر چارچوب نظری کارکردگرایی است نشان می‌دهد که حراست، حمایت و مصلحت سیاسی در جهت تأسیس نظام اسلامی، حوزه‌های نهادی را در زمینه‌های اجتماعی و سیاسی تقویت می‌کند.

واژگان کلیدی

روحانیت، نظام اسلامی، وحدت، هدایت، تأسیس نظام.

*. دانشجوی دکتری علوم سیاسی، گرایش اندیشه‌های سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد. (نویسنده مسئول)
seyedhashem.moniri@mail.um.ac.ir

athari@um.ac.ir

** دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۶/۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۸

طرح مسئله

تبلیغ دین از دیرباز وظیفه عالمان دینی یا روحانیت بوده است که در ساختار رسالت دینی به‌طور اعم و نهاد مرجعیت به‌طور اخص، غالباً مستقل، خودبنیاد و فراتر از نهادی به نام حکومت، به شیوه‌ای سنتی و مدرن در عرصه مطالعات دینی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی که در سه سطح مبنایی، مضمونی و روشی قابل طرح است، دامنه و نفوذ مؤثری نسبت به کارکردهای تبلیغی، معرفتی و دانشی داشته است (Kalantari, 2022: 8). بنابراین، نقش تبلیغ به‌عنوان یک ساختار تحول‌گرا در فرایند شکل‌گیری نظام اسلامی و تحولات سیاسی و اجتماعی، قابل مشاهده و بررسی است. اهمیت موضوع نظام اسلامی در چارچوب ملی و سرزمینی بر همگان پوشیده نیست، چراکه مرزها و جریان‌های قدرت در یک نظام سیاسی، و اعمال قواعد فقهی به‌طور اعم و فقه سیاسی به‌طور اخص، از مسیر شبکه‌های قدرت عبور کنند و لاجرم اطاعت و حمایت از دولت را در باب حکومت‌های جائر و یا کافر، با مشکل مواجه می‌سازد. این مشکل به‌ویژه در سیاست‌گذاری‌ها و در نظارت و ارزیابی عدالت سیاسی که از لوازم مهم و اساسی در اداره امور جامعه است، مشاهده می‌شود (سید باقری، ۱۳۹۳: ۸۵ - ۸۴).

از طرف دیگر، مسئله مشروعیت و رابطه آن با حاکمیت و نسبت حق فرمان دادن با مسائل نوپیدای سیاسی و بحران‌های متناوب اجتماعی / سیاسی، لزوم «اطاعت کردن» را پدیدار می‌سازد (فیرحی، ۱۳۸۸: ۲ / ۱۰۷). به همین مناسبت، فقه سیاسی شیعه، سازوکارهایی را در دین به رسمیت شناخته است که برخی، منبعث از آموزه‌های ثابت و دائمی است و برخی متغیرند. از این‌رو، تطبیق و سازگاری این آموزه‌ها بنا بر مصالح سیاسی، راهگشای فهم مسائل گوناگون فرمان‌گذاری / فرمان‌پذیری است. بنابراین، وجود موقعیت‌های ویژه سیاسی و تکاپو برای ارائه نظم سیاسی، که هم دربرگیرنده اداره حکومت اسلامی بر مبنای یک ساختار کلی و منسجم باشد و هم اجرای احکام دین را بنا بر ارزش‌های اسلامی هموار سازد، نهادسازی و ارائه ساختار مطلوب اجتماعی - سیاسی را توجیه‌پذیر می‌سازد (سید باقری، ۱۳۸۸: ۳۱۶).

یکی از این نهادها، روحانیت است که علاوه بر، تقویت پایه‌های ساختار نظام حکومتی، تبلیغ، ارشاد و هدایت در راستای مبارزه با نحله‌های فکری و مکتب‌های انحرافی، تلاش دارد به کادر سازی و ذخیره‌سازی نیروهای متعهد و متخصص انقلابی انقلاب بپردازد و با احیای سنت‌های فراموش‌شده‌ای چون امر به معروف و نهی از منکر و نهاد شورای اسلامی، به پیشرفت، وحدت و همبستگی فرهنگی اصیل اسلامی کمک کند و پیوند بین مردم و انقلاب را مستحکم نماید (Amanat, 2017: 937). اتحاد و یگانگی ایجادشده، مستلزم تفسیر معنای زندگی و باورهای دینی است که به‌وسیله روحانیت، به‌مثابه موتور متحرکه انقلاب، انجام می‌گیرد و با تعیین مسیر درست، و با انکار انواع حکومت‌های فاسد، و اعتقاد به حاکمیت الهی، آن را تعیین می‌کند.

از این رو، این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش است که روحانیت در تأسیس انقلاب اسلامی از چه کارکردهایی برخوردار بوده است؟ به نظر می‌رسد نهاد روحانیت مسئولیت‌های سیاسی و اجتماعی‌ای را بر عهده گرفت که نه به‌مثابه مشارکت در قدرت به‌منزله کسب و حفظ قدرت در جهت اهداف مادی و زودگذر، بلکه پذیرش مسئولیت و عهده‌دار شدن مناصب حکومتی به‌منظور یک واجب عینی یا کفایی، حاوی کارکرد تبلیغ دین، حفظ دین، و اجرای دین است. سه مؤلفه یادشده با تکوین انقلاب اسلامی پیوند خورده است و ارتباط متقابل، سازگاری و انسجام را به‌طور غیررسمی - چه به‌صورت سخت‌افزاری و چه به‌صورت نرم‌افزاری - در شبکه قدرت نشان می‌دهد.

پیشینه پژوهش

در بحث نقش روحانیت و تأسیس نظام اسلامی، پژوهش‌های چندی انجام شده است که به چند مورد از آن اشاره می‌شود:

کریمی، غفاری هاشجین و بهرامی در مقاله «کارکردهای سیاسی نهاد مرجعیت از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی»، فصلنامه *مطالعات انقلاب اسلامی*، (۱۳۹۴)، به بررسی نقش ساختاری مرجعیت به‌عنوان یک نهاد واسطه میان رهبران بزرگ مذهبی و مردم پرداخته‌اند. آنها معتقدند نهاد مرجعیت از طریق خطابه، فتوا، بیانیه و تجمعات سیاسی علاوه بر جامعه‌پذیری، از اقتدار و سیاست‌گذاری برخوردار است و می‌تواند به‌عنوان یکی از کانون‌های قدرت محسوب شود.

حاجی حسن و غفاری هاشجین در مقاله «مؤلفه‌های امام خمینی علیه السلام در فرایند انقلاب اسلامی، با تأکید بر بُعد بنیان‌گذاری»، فصلنامه *پژوهش‌نامه انقلاب اسلامی*، (۱۳۹۷)، به بررسی مؤلفه‌های رهبری و با تأکید بر بُعد بنیان‌گذاری، نقش بنیادینی را برای رهبری انقلاب در نظر گرفته‌اند. آنها با استفاده از مبانی نظری هافر که رهبران را به سه دسته سخنور، فرمانده و مردان عمل تقسیم می‌کند، امام علیه السلام را به‌عنوان مرد عمل و بنیان‌گذار در نظر می‌گیرد.

یحیوی و دیگران در مقاله «تاریخ تحول معنایی مفهوم انقلاب و تأثیر آن بر تولد اسلام سیاسی»، *رهیافت سیاسی و بین‌المللی*، (۱۴۰۰)، نیز معتقدند مفاهیمی چون انقلاب و اسلام سیاسی، برگرفته از یک چرخش زبانی و تأثیرپذیری از یک تحول معنایی است که با کمک از رویکرد مفهومی کوزلک آن را، مورد تفسیر قرار می‌دهند. به‌صورت غیرمستقیم این پژوهش‌گران تأثیرپذیری اندیشه روحانیت در تحول معنایی انقلاب را میراثی از جلال آل‌احمد و علی شریعتی می‌دانند. علی‌رغم این ادعا، به نظر می‌رسد اندیشه الهیاتی امام خمینی، در کتاب *ولایت فقیه* و در *آثار شفاهی*، پیش از شریعتی مبنای

تحول زبانی و معنایی از اسلام سیاسی بوده است. بنابراین چنین نیست که تحول معنایی انقلاب صرفاً از دو روشنفکر دینی مذکور متأثر شده باشد.

محدوده زمانی پژوهش‌های یادشده غالباً به دوره قبل از پیروزی انقلاب برمی‌گردد، اما کانون این پژوهش چشم‌اندازی به رویدادهای پس از انقلاب است و تلاش دارد از دریچه «رویکرد جامعه‌شناختی» هم به نقش روحانیت در نظام اسلامی بپردازد و هم کارکرد آن را در حفظ و تقویت و همبستگی ملی - اسلامی در دوره تأسیس انقلاب، موردبررسی قرار دهد و این پرسش اصلی را مرکز توجه خود قرار دهد که روحانیت و نهادهای وابسته به آن در تأسیس نظام اسلامی از چه کارکردهایی برخوردار بوده است؟

چارچوب نظری

کارکردگرایی ساختاری، به ساختارهای جامعه و اهمیت کارکردی آنها برای ساختارهای دیگر توجه دارد و به رابطه میان ساختارهای فراگیر جامعه، مانند نظام مذهبی، سیاسی، یا اقتصادی، می‌پردازد و کانون توجه خود را بر کارکردهایی که هر یک برای دیگری انجام می‌دهد، قرار می‌دهد. از معروف‌ترین نظریه‌پردازان کارکردگرایی ساختاری، تالکوت پارسونز است که چهار وظیفه کارکردی را برای تمام نظام‌های کُنش معرفی می‌کند که عبارت است از: سازگاری، دستیابی به هدف، یکپارچگی و حفظ الگو. سرواژه این چهار وظیفه در زبان انگلیسی AGIL نامیده می‌شود (ریترز، ۱۳۹۲: ۱۳۵). نظریه کارکردگرایی ساختاری یا نظریه سیستمی پارسونز، مبتنی بر طرح خرده نظام‌هایی است که هر یک از آنها، وابسته به دیگری است و هر خرده سیستم یک کارکرد خاص انجام می‌دهد (آزاد ارمکی، ۱۳۸۹: ۵۴). پارسونز بر آن است که هر نظامی، در هر سطحی، برای آنکه بقا پیدا کند باید چهار نیاز یا پیش‌نیاز را برآورده سازد (کرایب، ۱۳۹۳: ۵۹).

الف) سازگاری: یک نظام باید با محیطش سازگار شود و محیط را با نیازهایش تطبیق دهد. به‌طور مشخص‌تر، یک نظام باید با حوادث و خطرات محلی و بیرونی مقابله کند. یک نظام نمی‌تواند برای مدت طولانی با محیطش اختلاف داشته باشد (Savage, 1978: 158 - 159). درواقع، لزوم انطباق مفاهیم انتزاعی و عینی اسلامی با زیست سیاسی جامعه موجود، ابهام معنایی را برطرف می‌سازد.

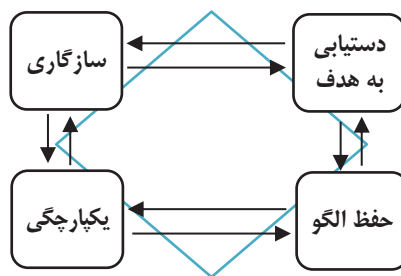
ب) دستیابی به هدف: شامل نیاز یک نظام به تعریف کردن و رسیدن به اهداف اصلی‌اش می‌شود. هدف غایی هر نظامی آن است که نه‌تنها در آینده باقی بماند، بلکه درعین‌حال رشد و گسترش یابد (Parsons, 1932: 344). مدیریت درست حکمرانی اسلامی، با سازوکارهای قانونی تعبیه‌شده از طرف رهبری و نهادهای برآمده مردمی، انجام می‌گیرد.

ج) یکپارچگی: منظور از یکپارچگی آن است که هر نظامی درصدد تنظیم کردن روابط اجزاء سازنده

خود است. با این تعبیر، عدالت اسلامی با فراهم نمودن بستری برای مشروعیت اجتماعی، به پایایی آن، در وحدت و یکپارچگی ساختار سیاسی کمک می‌کند.

(د) حفظ الگو: بیشتر به فراهم آوردن، حفظ کردن و تجدید الگوهای فرهنگی‌ای مربوط می‌شود که انگیزش فردی را تولید می‌کند و استمرار می‌بخشد (Parsons, 2005: 25). در این مرحله، تولید بر نهاد ذهنی و برابر نهاد عینی به تولید هم‌نهاد ارزش‌های اسلامی در پیدایی و پایایی آن هم‌رسان است.

بنابراین، تأسیس نظام انقلاب اسلامی و تکوین آن بدون چهار نیاز سیستمی یادشده ممکن نیست و به همین خاطر است که روحانیت در مواجهه با امر سیاسی، از چهار کارکرد فوق در تولید معنا و کاربرست قوانین «عملی» برای برون‌رفت از موانع و مشکلات با توجه به مصلحت سیاسی و عزت اسلامی، استفاده نموده است. همچنین، لایه‌های بافتی الگوهای فرهنگی، از موارد مشخص‌تر، عینی‌تر و سازگارتری است که روحانیت تمهیدات لازم را برای حفظ نظم سیستم اجتماعی و سیاسی، فراهم می‌کند (Kalantari, 2022: 11).



شکل ۱ مدل نظری کارکردگرایی ساختاری تالکوت پارسونز

روش پژوهش

این پژوهش به روش توصیفی و تحلیلی، داده‌های اسنادی خود را با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و با رویکرد جامعه‌شناسی تاریخی، گردآوری کرده است. رویکرد جامعه‌شناسی تاریخی برای پاسخ‌گویی به پرسش‌های بزرگ، در مورد تغییرهای اجتماعی پهن‌دامنه که بسترهای تاریخی و فرهنگی را، در کانون توجه دارد یا فرایندهای اجتماعی که در طول زمان روی داده و در میان جامعه عمومیت دارد، (محمدپور، ۱۳۹۷: ۳۱۰) مورد استفاده قرار می‌گیرد.

بحث و یافته‌ها

حضور روحانیت در عرصه‌های مختلف قدرت، در ادبیات سیاسی کشورمان نشان‌دهنده این است که روحانیت به‌عنوان یکی از مؤثرترین نهادهای دارای دو کارکرد کلی بوده است:

الف. سلبی؛ یعنی مشروعیت‌زدایی از اصل سلطنت و واژگونی حکومت پهلوی؛

ب. ایجابی؛ یعنی پشتیبانی و استقرار حکومت اسلامی، با توجه به کارکردهای فهم دین و حفظ معارف؛ تبلیغ دین و اشاعه معارف دینی؛ دفاع از دین و پیگیری اجرای شعائر دینی است که به صیانت از آیین و جلب نوآیینان به اسلام، می‌انجامد. این آموزه‌ها، روایت‌ها و کارکرد ترویجی با نظریه همروی در حوزه سیاست، ادغام‌شده است و الگوی روابط روحانیت و حکومت اسلامی را پدیدار می‌سازد. (فراتی، ۱۳۹۰: ۹۱ - ۸۸)

ازجمله مفروضاتی که در فقه به معنای عام و فقه سیاسی به معنای خاص، موردتوجه فقیهان قرار گرفته، این است که دین اسلام و به‌صورت خاص، فقه از ظرفیت‌های گسترده‌ای در پاسخگویی به مسائل و موضوعات در سه بُعد اساسی «همه زمان‌ها و مکان‌ها»، «همه افراد» و «همه شئونات زندگی» برخوردار بوده است (ایزدهی، ۱۳۸۹: ۱ / ۵۳). بنابراین، با پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار فقیهی جامع‌شرایط در رأس قدرت سیاسی و تصدی‌گری روحانیون در امور سیاسی، روحانیت کارکرد جدیدی را بر عهده گرفت (Ghobadzadeh & Akbarzadeh, 2020: 571) و توانست نقش تاریخ‌ساز خود را جهت‌سازگاری و همبستگی ملی و اسلامی که با مبانی هستی‌شناختی کلام سیاسی شیعه (بهرروز لک، ۱۳۹۲: ۹۹) و با محوریت عدل و حکمت الهی همراه و سازگار بود، ولایت فقها را مستقر نماید.

۱. سازگاری؛ درهم‌تنیدگی روحانیت با امر سیاسی و مردم

نقش روحانیت را می‌توان در دو سطح «تعامل» داخلی (بسترمندی جهت همبستگی ملی و اسلامی) و «آنتاگونیسم» بیرونی (به‌عنوان ضدیت با دشمنان نظام و ایدئولوژی اسلامی)، مورد تحلیل قرار داد. در سطح داخلی، شاهد محورهایی از امر قانون‌گذاری، حضور و مشارکت در تدوین قوانین، چه به لحاظ نظری و چه به لحاظ عملی و تجلی آن در انتخابات، هستیم. یکی از این کارکردها، قانون اساسی و نهاد شورای نگهبان است. حضور فقهای شورای نگهبان و تفسیر اصول قانون که به طریقی با بن‌بست عملی مواجهه شود، با تفسیر این نهاد به‌نوعی سازگاری و عبور از بحران منتهی می‌گردد (منصور، ۱۳۸۰: ۱۰۹). چرخه نهادی و حضور فقهای عادل در این شورا، که توسط رهبری منصوب می‌شوند، میزان و مرز سنجه اسلامی بودن قوانین را در خود متحقق می‌سازد. از طرف دیگر، تجلی مشارکت حداکثری روحانیت در زمینه‌های سیاسی و سیاست‌گذاری در امور سیاسی را می‌توان در حمایت مراجع تقلید، حوزه علمیه و روحانیت از نظام مشاهده کرد. اساساً «حوزه و روحانیت مثل خونی است که در سرتاسر پیکره جامعه در جریان است، بنابراین مسائل روحانیت پیوند ناگسستنی با مسائل کشور حتی با مسائلی از تاریخ و گذشته دارد» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹/۷/۱۴). از این رو، تعامل دوسویه بین ساختار حاکمیت و قاعده

هرم جامعه، روحانیت را متعلق به مردم که با فرایند دریافت، انتقال و دریافت درون‌داده‌ها و برون‌داده‌ها صورت می‌گیرد، شکل می‌دهد. به طوری که روحانیت به‌مثابه نخ یک تسبیح است که اگر آن را از ملت بگیرند، دیگر چیزی باقی نمی‌ماند. سازگاری برآمده از این روند ذهنی و عینی خود را در قانون‌گذاری و تأسیس نهادهای انقلابی مانند تأسیس شورای انقلاب، مجلس خبرگان قانون اساسی و سایر نهادهای نظامی و انتظامی نشان می‌دهد که از دستاوردهای غالب نمایندگان روحانیت در امر سیاسی است.

از این‌رو، برای جلوگیری از پراکندگی قدرت و تحدید تنوع گروه‌های مدعی حاکمیت، علت ضروری شورای انقلاب، توجیه‌پذیر و برای تأسیس نظام، امری بدیهی است. بدین‌منظور، شورای انقلاب نخست، هسته اصلی‌اش که مرکب از آقایان مرتضی مطهری، سید محمد بهشتی، علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی، محمدجواد باهنر و سید عبدالکریم موسوی اردبیلی بود (او به‌تنهایی یک امت بود، ۱۳۱: ۴۷)، نقش کلیدی در روند به‌نظم‌بخشیدن قدرت سیاسی، به‌عهده گرفت. در بخش «آنتاگونیسم» و بیرونی نیز، به پردازش تئوری حکومت اسلامی و نحوه استقرار و جایگزینی آن معنا بخشید و رابطه مردم و حکومت را تبیین کرد. تأسیس نظام، با چالش گروه‌های معارض سیاسی، اعم از چپ و راست مواجه شد. گروه‌های چپ اعم از کمونیست‌ها و مارکسیست‌های نحله‌پرداز اتحاد جماهیر شوروی و مائوئیست‌های چینی و گروه‌های راست، مانند: پان‌ایرانیست‌ها و ملی‌گرایان که در هدف، روش و فرجام در ساحت ایدئولوژی و تئولوژی با حکومت اسلام، در تعارض و دشمنی قرار داشتند کار را برای یکپارچگی و سازگاری سخت کرد (بهروز، ۱۳۸۰: ۱۸۱). آنها اسلام را به‌عنوان یک «دیگری» و به‌عنوان اندیشه‌ای گذشته‌گرا که فاقد نظم و سامانی روشن در امر حکومت‌داری، شفاف و روشن در امور دنیوی و ناتوان از تشکیل نهادهای مدنی است، در نظر گرفتند و به تضعیف و ناسازگاری و ایستادگی در مقابل آن پرداختند. هرچند «جریان چپ جنبشی نبود که از توان، وزن و پلتفرم (سکو) مستقلی برخوردار باشد» (شوکت، ۱۳۸۰: ۳۴۱). اما گسترش پادگفتمانی چپ در برابر گفتمان مسلط، محیط سیاسی را نسبت به آرمان‌های انقلاب، با چالش مواجه کرد (Amanat, 2017: 939). یکی از محورهای چالش‌برانگیز، رسانه‌های عمومی بود.

رادیو و تلویزیون و مطبوعات از نهادهای تأثیرگذار در تعیین، تبیین و تفسیر امر سیاسی در دو طیف طرفدار و مخالف انقلاب بودند. «در نخستین روزهای پیروزی انقلاب، حضور نیروهای مارکسیست و مجاهدین در رادیو و تلویزیون، به نحو چشمگیری به اظهار مواضع مغایر با اصول انقلاب اسلامی پرداخت و مسئله وحدت را شکننده کرد» (رضوی، ۱۳۹۷: ۱۶۷). از این‌رو «جهت نظارت و تنظیم خبر و مراقبت از برنامه‌های خبری، حجت‌الاسلام محمد مجتهد شبستری از جانب امام به آنجا اعزام شد» (طباطبایی، ۱۳۹۲: ۳ / ۲۵۳ - ۲۵۲)، تا کنترل این دستگاه تبلیغاتی و اطلاع‌رسانی را که به‌عنوان بازوی

رسانه‌های انقلاب محسوب می‌شد، مسئولیت نظارت و تولید محتوا را به‌عنوان «یک تکانه فرهنگی و ابزاری برای ساخت فرهنگ، به عهده بگیرد» (دیگار و یان‌شایر، ۱۳۷۷: ۴۸۳). در همین راستا، جریان اطلاعات، فرایند تولید محتویات برنامه‌های سیاسی، اجتماعی و دینی، و از همه مهم‌تر بیانات فرماندهی انقلاب، امام خمینی ره از کارکردهای مهم این سازگاری توسط کلیت روحانیت در متن حوادث است. امام خمینی ره بر نقش اثرگذار رادیو و تلویزیون در آگاهی بخشی به «محتوای نظام، احکام اسلام و برنامه اسلام تأکید می‌کنند؛ چراکه باورپذیری بدون آن، تحقق نخواهد یافت» (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۹ / ۴۴۹). بعلاوه، نفوذ بر اذهان مردم، بدون «قدرت» و «ارتش»، از کارایی لازم و توان مناسب برخوردار نیست، بنابراین، امنیت و نظم‌بخشی مناسبات داخلی یکی از ارکان مهم استقرار نظام است.

بنابراین، یکی دیگر از کارکردهای نهاد روحانیت؛ هماهنگی نیروهای مؤمن و انقلابی، تقویت ظرفیت موجود از بدنه ارتش، و تبدیل تهدیدها به فرصت‌ها، بود که «کمیته‌های انقلاب اسلامی» و نهاد «سپاه پاسداران» از جمله آنها است. سپاه، به‌عنوان «پاسدار انقلاب»، نقش مهمی در تأمین امنیت شهرها و حفاظت از نیروهای انقلابی بر عهده داشت. «فکر ایجاد نیرویی غیر از ارتش برای دفاع از انقلاب اولین بار از سوی شهید محمد منتظری مطرح شد» (رفیق‌دوست، ۱۳۹۳: ۴۸). اما در اوایل اسفند ۵۷، هنگام خروج شورای انقلاب، مرحوم بهشتی اطلاع می‌دهد که «حضرت امام حکم تشکیل سپاه پاسداران را زیر نظر دولت موقت به آقای حجت‌الاسلام شیخ حسن لاهوتی سپرده‌اند» (مه‌دوی کنی، ۱۳۸۵: ۲۲۷). در جلسه‌ای که آقای لاهوتی در پادگان عباس‌آباد جمع تشکیل داد، اولین نهاد انقلاب پایه‌گذاری شد. در این جلسه هفت نفر به‌عنوان شورای فرماندهی انتخاب شدند. آقایان دانش آشتیانی فرمانده سپاه، غلامعلی افروز مسئول امور پرسنلی، محمدعلی بشارتی مسئول اطلاعات، مرتضی الویری مسئول روابط عمومی، محسن رفیق‌دوست مسئول تدارکات و سیدمحمد غرضی مسئول عملیات (رفیق‌دوست، ۱۳۹۳: ۵۱ - ۵۰). از آنجاکه این نهاد حکم مشروعیت خود را از امام دریافت کرده بود، گروه‌های دیگر را که شامل نیروهای گارد دانشگاه، پادگان جمشیدیه، سپاه سلطنت‌آباد و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی بود، در خود ادغام کرد و سازمان یکپارچه‌ای را وحدت بخشید. از طرف دیگر، سخنرانی‌های امام خمینی، نشان‌گر مدیریت، سازگاری، هماهنگی، همبستگی و «وحدت کلمه»‌ای است که بارها در شرایط خاص و اتفاقات اوایل انقلاب با جدیت دنبال می‌شد (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۷ / ۶۴). و مسئولین با نگاه واقع‌بینانه ظرفیت حضور کمی و کیفی روحانیت را در توسعه سیاست‌های برنامه‌ریزی‌شده در کمک به ایران اسلامی احساس کردند.

۲. دست‌یابی به هدف

هدف غایی هر نظام سیاسی آن است که نه‌تنها در آینده باقی بماند، بلکه درعین‌حال توانایی رشد داشته

باشد و بر اساس اهداف خاصی که در استراتژی بلندمدت خود تعریف کرده، گسترش یابد و تمهیداتی را جهت امکان دستیابی به اهداف موردنظر چه در سطح داخلی و چه از نظر سطح بین‌الملل، فراهم نماید (ملکوتیان، ۱۳۸۷: ۱۰۳). بر همین اساس، دو نظریه حداقلی و حداکثری نسبت به ورود و شرکت در سیاست پدیدار می‌شود که همه این وظایف و کارکردها در جهت کارآمدی، تنظیم، برخورداری از اداره و مدیریت درست حکمرانی و تسهیل گستره نیازهای فردی در حوزه نظام سیاسی است. اموری که هم جنبه فردی دارد و هم جنبه عمومی را شامل می‌شود. جنگ، صلح، و امر به معروف و نهی از منکر، از جمله ساختارهای است که فقه سیاسی و بالطبع روحانیت، حق ورود به موضوعات مطرح‌شده را در نزد خود تعریف کرده است (سید باقری، ۱۳۸۸: ۱۳۱).

بنابراین، حاکمیت سیاسی، نیاز و ضرورت پیوند دین و سیاست را، در حوزه مسائل داخلی و بین‌المللی احساس می‌کند که در ادامه، دستیابی به هدف یا اهداف موردنظر تبیین خواهد شد.

یک. حوزه داخلی؛ بازسازی و معناسازی انقلاب

نخستین و مهم‌ترین کارکردی که روحانیت در انقلاب اسلامی انجام داد، بازسازی و معناسازی انقلاب اسلامی بوده است تا در روند داخلی، این باور را به مردم القا کند که انقلاب اسلامی فاقد استبداد داخلی و بر اساس قانون شریعت الهی و معنویت است (مطهری، ۱۳۷۴: ۱۷۲) و قوانین آن در نهادی به نام مجلس شورای اسلامی بر اساس اصل شورایی بر پایه نص صریح قرآن، نظم و امنیت، سعادت و رفاه، استوار است. «به لحاظ مفهوم‌شناسی، انقلاب اسلامی یعنی راهی که هدف آن اسلام و ارزش‌های اسلامی باشد و انقلاب و مبارزه صرفاً برای برقراری ارزش‌های اسلامی انجام گیرد» (نصری، ۱۳۹۱: ۲۲ - ۲۱). در این زمینه، روحانیت با نهادسازی و طبق فرمان رهبری انقلاب، در رأس کمیته‌های انقلاب اسلامی جهت برقراری نظم و خلأ بوجودآمده از قدرت، قرار گرفت (مهدوی کنی، ۱۳۸۵: ۲۳۱ - ۲۳۰). به گونه‌ای که کمتر از چند ماه پس از کاهش التهاب انقلاب و آلترناتیوهای (جایگزین) نظام سیاسی انقلاب اسلامی، گروه‌های معاند تضعیف، منزوی و یا از صحنه حیات سیاسی ایران خارج شدند. عملیاتی‌سازی این امر، از کانال مساجد و حوزه‌های علمیه سراسر کشور و نهادهای انقلابی از جمله کمیته‌های انقلاب و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی انجام پذیرفت، (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۳ / ۵۲) که در هر نهاد، نماینده‌ای از طرف امام خمینی، که جزو یاران و از روحانیون مبارز انقلابی بودند، استقرار یافت. (کدی، ۱۳۶۹: ۳۸۱)

این افراد رفتار سیاسی منبعث از اسلام را الگوی نظم‌بخشی به جامعه قراردادند و حاوی گفتمانی از اسلام سیاسی بودند (پورزکی کلویر، ۱۳۹۲: ۹۶)، تا به صورت فراجناحی، مسائل و مشکلات جاری را با زبان و واژگانی که مردم آن را می‌فهمند، برای مردم قابل‌فهم کنند و با کارشناسی، نیازهای جامعه را با

تصویب قوانین، برآورده سازند. تجمیع قوانین شریعت و قوانین مدنی، کارکردی جز تساوی و برابری در قانون و مخرجی، جز تقویت وحدت و ساختاری، جز برپایی و برقراری نظم نداشت. این تساوی، بستری را برای ایجاد همبستگی هنجاری و عناصر نظام فرهنگی، یعنی ارزش‌های مشترک جامعه، فراهم می‌سازد. به‌گونه‌ای که نبض جامعه با حرکت فراجنبی امام، زنده است و از او قدرت می‌گیرد (بیانات رهبری، ۱۳۵۸/۵/۲۴). بنابراین، وجود او در آن برهه حساس نقش مؤثری در همبستگی، احیای دین و دست‌یابی به هدف ایجاد می‌نمود. یادآور می‌شود که پارسونز از وجود زیرنظام‌هایی وابسته سخن می‌گوید که بخشی از نظامات جامعه به حساب می‌آیند. دین از جمله این زیرنظام‌هاست که کار ویژه اصلی آن ایجاد گسترش و تضمین تداوم همبستگی‌های هنجاری و نظام فرهنگی جامعه است. از دیگر نهادهایی که بر اساس اصل هشتم قانون اساسی تحقق پیدا کرد، نهاد شورای عالی تبلیغات اسلامی و تجلی امر به معروف و نهی از منکر بود. اصل هشتم تصریح می‌کند: «دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت است». در راستای این امر، شورای عالی تبلیغات اسلامی علاوه بر تبلیغات دینی، وظیفه سازمان‌دهی و هدایت نیروهای مؤمن، احیاء و اشاعه معارف و فرهنگ تاریخ اسلام و مقابله با تبلیغات سوء تهاجم فرهنگی را برعهده گرفت.

بنابراین، کارکردگرایی ساختاری روحانیت به مثابه ساخت اجتماعی به کارکردها و کار ویژه‌های هنجاری جامعه، معنا می‌دهد و در سطح وسیع‌تر، تضمین‌کننده بقاء و استمرار آن است. ارتباط روحانیت با ارزش‌های دینی به توزیع هنجارها، تقویت همبستگی و تولید نظم نوین در امر امنیت و تحقق عینی و عمل‌گرایانه آن در سطح اجتماع است که در نهایت به تحکیم مبانی نظام انقلاب اسلامی کمک می‌کند (نجف‌زاده، ۱۳۹۵: ۳۵۷).

دو. سیاست بین‌الملل و راهبرد ظلم‌ستیزی

با رسمی شدن جمهوری اسلامی در فروردین ۱۳۵۸ و شناسایی آن از سوی کشورهای جهان، نقش و وظیفه آن از طریق ترویج، تحکیم دین و دفاع از مظلومان جهان در روابط بین امت اسلامی در درجه اول، و سایر نقاط جهان، پدیدار شد (دهقانی فیروزآبادی و رادفر، ۱۳۸۹: ۴۷). امت‌گرایی، یاری به ستمدیدگان و به‌ویژه دفاع از مردم فلسطین به‌عنوان سند یادگاری است که به دست حجت‌الاسلام شهید محمد منتظری انجام گرفت. او صدور انقلاب و تقویت جنبش‌ها را یک وظیفه و تعهد شرعی و یک ضرورت برای تداوم انقلاب می‌دانست، به همین منظور سفر به لیبی و جنوب لبنان هدفی جز این پیام نبود که مردم مستضعف منطقه باهم برادرند (ایزدی، ۱۳۶۱: ۳۰۶)، و مبارزه با امپریالیسم آمریکا و

صهیونیست به نفع کل مستضعفین و مسلمانان جهان است. او همگام با جنبش‌های آزادی‌بخش «سازمان انقلابی توده‌های جمهوری اسلامی» (ساتجا) و تشکیل یک سپاه کوچک از چریک‌های مسلمان ایرانی را جهت کمک به مردم لبنان و فلسطین برای جنگ با اسرائیل غاصب روانه نمود (همان: ۳۱۶). او علاوه بر آن، با کمک به جبهه آزادی‌بخش اسلامی مورو در فیلیپین (همان: ۳۲۲ - ۳۲۱)، حکومت اسلامی را به‌عنوان یک الگو برای مردم مسلمان و مستضعف جهان، پدید آورد.

بنابراین، رسالت عظیم ظلم‌ستیزی، مبارزه با استثمارگران، مستکبران و غارتگران بین‌المللی، بحثی است مبنایی، مضمونی و روشی که آنها را در پویش و چشم‌انداز یک برنامه‌ریزی راهبردی که افق کوتاه‌مدت و بلندمدت را باهم تلفیق می‌کند؛ سطح کلان عدالت‌خواهی را به‌عنوان یک مبنا و در راستای سیاست‌های کلی انقلاب تنظیم می‌کند و موقعیت‌های بیرونی در جهت بهره‌گیری از امکانات درونی جهت نیل به اهداف خارجی را در پیش چشم خود قرار خواهد داد. حل معضلات کشورهای اسلامی یکی از این موارد است که امت اسلامی را با مستضعفان عالم پیوند می‌دهد و مسئولیت و وظیفه‌ی پاسخگویی را نسبت به جنگ، صلح، و آرامش در جهان پدیدار می‌سازد.

۳. یکپارچگی؛ رابطه هماهنگ جزء و کل

منظور از یکپارچگی؛ آن است که هر نظامی با تنظیم روابط اجزاء سازنده‌اش با کلیت ساختار، علاوه بر مدیریت و ایجاد همبستگی، نوعی احساس جمعی و ذهنیت عینی از هنجارها که با مشروعیت سیاسی مرتبط است، یک ارتباط دوجانبه میان طبقات اجتماعی فاقد قدرت و طبقه حاکم، به وجود می‌آورد. مشروعیت یعنی حق حاکمیت؛ بدین‌صورت که تضایفی میان حق حاکمیت و تکلیف مردم در اطاعت برقرار است. از این‌رو، وقتی کسی «حق» داشت، دیگران «تکلیف» دارند آن حق را رعایت کنند (مصباح یزدی، ۱۳۹۰: ۱ / ۲۲). از این جهت، مشروعیت سیاسی از دو سو حائز اهمیت است. از یک‌سو، حاکمیت نیاز دارد به قدرت و سلطه خود مشروعیت بخشد و از سوی دیگر، شهروندان اقتدار فرمانروایان را تصدیق کنند. از این‌رو، باورپذیری مردم، در رابطه دولت و ملت و کیفیت بلاغی و تأثیر سخنرانی‌های امام پیدا می‌شود (Charteris - Black, 2007: 159). بدین ترتیب، جزء (ملت)، ذهنیت عینی را از کل (دولت) دریافت می‌کند و به‌تدریج سازه‌انگاری ذهنی شکل می‌گیرد.

حفظ و تقویت جایگاه روحانیت و بسیج اجتماعی و سیاسی

جایگاه و نقش روحانیت علاوه بر تبلیغ و تحکیم دین، هدایت و ارشاد مردم، حراست و حفظ جمهوری اسلامی است. امام نقش پراهمیت روحانیت را در حفظ و حراست از نهضت اسلامی، به‌عنوان بیرق اسلام

و دژ محکمی در مقابل تبلیغات بدخواهان می‌خواند و این‌گونه توضیح می‌دهد:

روحانیت در رأس ما هست و ما تبع روحانیت هستیم. ملت ما تبع روحانیت است و اگر روحانیت در کار نبود این نهضت به ثمر نمی‌رسید. من به همه کسانی که برای کشور خودشان کار می‌خواهند بکنند نصیحت می‌کنم که این صف الهی را نشکنید؛ چراکه شکستن آن، شکستن قرآن و شکستن اسلام است (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۷ / ۸۵).

«پدیداری یکپارچگی جامعه و نقش انحصاری معرفت دینی علمای دین و روحانیت در نهادی به نام «حزب جمهوری اسلامی» مشاهده می‌شود که مروج نوعی از فرهنگ سیاسی شیعی شد که به‌موجب آن روحانیون در حکم پدر مردم و مردم در حکم فرزندان آنها قرار گرفتند و از طریق این نهاد به سامان‌دهی محتوای ارزشی و ایدئولوژیک ساختار نظام کمک کردند» (خامنه‌ای، ۱۳۵۷/۱۲/۳). به همین جهت، شکل‌گیری حزب جمهوری و فرادستی روحانیت در حوزه‌های گوناگون، پیامدهای عمل‌گرایانه‌ای را جهت انسجام سازمانی وحدت کلمه همگانی در جامعه، پدید آورد. بعلاوه، با تشکیل و ادغام بسیج مستضعفین در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، انسجام و ارتباط اجتماعی و سیاسی این نهادها بدون حضور و کارکرد روحانیت امکان‌پذیر نبود.

۴. حفظ الگو

پایداری یا حفظ الگو با نیروهای ذهنی که با واقعیت و عینیت یک کلیت ساختاری را شکل می‌دهد در نهادی شدن فرد مؤثر است. درواقع، ارزش‌های عمومی به‌عنوان نیروهای ذهنی به پایداری و حفظ الگو، کمک می‌کند. این ارزش‌ها و هنجارها ایستا نیست و برای آنکه واقعیت‌های اجتماعی جدید را بازتاب دهد، باید پویا باشد. این تغییر و بازتولید هنجارها و ارزش‌ها، نظام را در حال «عمل»؛ و مردم را در حال «تلاش» نگاه می‌دارد. این رابطه در چهار محور: نقش روحانیت در فرهنگ‌سازی، ارائه الگوی جامعه‌پذیری اسلامی، مسئولیت‌پذیری سیاسی، و حمایت، هدایت و نظارت بر دولت، قابل‌شناسایی است.

یک. نقش روحانیت در فرهنگ‌سازی

هدف انقلاب اسلامی، احیای دوباره تمدن اسلامی متناسب با وضعیت تمدن‌سازی در دنیای امروز است (دنگچی، ۱۳۹۴: ۱۰). احیای این هدف غالباً با کارکرد ویژه روحانیت و تحقق عینی آن در نهاد رادیو و تلویزیون (برابر با اصل یکصد و هفتاد و پنجم قانون اساسی) و وزارت فرهنگ و ارشاد است. قشر روحانیت به سبب برخورداری از توانایی ترویج ارزش‌ها، رشد فضایل اخلاقی، افزایش آگاهی سیاسی و اصول اعتقادی و اسلامی و مهم‌تر از همه شناساندن مبانی، مظاهر و اهداف انقلاب اسلامی را دارد از

ویژگی‌های کارکردی مانند حفظ و جهت‌دهی به خواسته‌هایی چون عدالت‌محوری در جامعه، ترویج ارزش‌های اعتقادی و آزادی‌خواهانه، نفی تبعیض و فساد و اهداف عالی دیگر برخوردار بوده، به‌عنوان «نهادی فرهنگ‌ساز» عمل می‌کند. (فراتی، ۱۳۸۹: ۲۱۳ - ۲۱۲)

روحانیت با طرح، برنامه و دستورالعمل‌های دقیق مانند احیای خطبه‌های نماز جمعه توسط آیت‌الله سید محمود طالقانی در پنجم مردادماه ۱۳۵۸ و الگوهای تبیینی امیرمؤمنان علیه السلام که زیربنای اسلامی، قرآنی و در راستای اصول مذهبی دارد، حضوری آگاهانه، واقع‌گرایانه، و تخصصی را جهت اجرائی کردن باورهای ذهنی، محقق کرد و پیوند بین شریعت و هویت اسلامی را در راستای تفکر دینی با استفاده از نهادهای آموزشی و فرهنگ‌سازی فراگیر، ترویج و انتشار داد (جهاد تبیین، ۱۴۰۱: ۷۵). همچنین، سنت‌های اسلامی را که توسط حکومت پهلوی تضعیف شده بود، به‌عنوان زمینه بیداری، آگاهی و خودباوری فراهم کرد و با محکوم کردن بیگانه‌باوری، راه را بر خودبیدارگری بست و توده‌های مؤمن و انقلابی را نسبت به دولت، مسئولیت‌پذیر ساخت (وحدت، ۱۳۹۰: ۲۲۸ - ۲۲۷).

دو. ارائه الگوی جامعه اسلامی

انقلاب اسلامی ایران با تعیین نوع حکومت به‌عنوان جمهوری اسلامی، که هم جمهوریت و حکومت مردم بر مردم را در دستور کار خود دارد، و هم اسلامیت نظام و دفاع از شریعت و اجرای احکام را شامل می‌شود، نوع ویژه‌ای از نظام را پیاده کرد که خلاف نظریه‌پردازی‌های مرسوم دنیای غرب، که دین و سیاست را دو حوزه جدا، منفک، مستقل و خودبنیاد در نظر می‌گیرد، به تبیین رابطه‌ی دین و سیاست و پیوند آن با یکدیگر پرداخت و بنیادهای فرهنگی، سیاسی و ارزش‌های مطلوب را در جامعه پیاده کرد و به‌نوعی دگرگونی فرهنگی، به‌قصد خلق انسان جدید، اقدام نمود (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۶ / ۲۷۳).

فرهنگ اول، به‌عنوان فرهنگ لیبرالیستی، اومانیستی و سکولار، انسان را به آزادی مطلق از همه‌چیز، حتی آزادی از اطاعت خداوند دعوت می‌کند، ولی فرهنگ دوم، یعنی فرهنگ اسلامی، ما را به اطاعت محض از خداوند مقرر می‌دارد. فرهنگ دوم در برافراشتن پرچم توحید و حفظ اندیشه یکتاپرستی در زندگی، یک وظیفه اخلاقی، سیاسی و اجتماعی دارد (مصباح یزدی، ج ۱، ۱۳۹۱: ۱۷۹). بنابراین، پیش‌فرض اصلی در تأسیس انقلاب و اندیشه امام خمینی، هدایت جامعه، و به کمال رساندن انسان است که از الگوهای اسلامی و تجربه‌های دینی گرفته‌شده و به فهم رابطه دین‌گرایانه روحانیت و امر سیاسی کمک می‌کند (جعفری‌نژاد و دیگران، ۱۴۰۱: ۱۶۸۲).

الف) مسئولیت‌پذیری سیاسی؛ حضور مراجع و روحانیت در میدان سیاست

صلاح یا فساد یک جامعه از عوامل زیربنایی پیشرفت یا رکود به‌حساب می‌آید و این عوامل در گرو

صالح بودن دو قشر تأثیرگذار آن، یعنی روحانیت و مراجع تقلید، است. این نیروی مؤثر، نقش اساسی در صلاح امت و به تبع آن، پیشرفت و ترقی جامعه اسلامی برعهده دارد که تلاقی وظیفه و مسئولیت را بازنمایی می‌کند. این تلازم با هم‌پیوندی و درهم‌تنیدگی دین و سیاست و دین و جامعه، نقشی سازنده و تعیین‌کننده بر آگاهی‌افزایی توده‌های مردم و روشنگری مسائل روز و سیاست‌های داخلی و بین‌المللی دارد. نسبت این دو، یعنی دین و سیاست، نسبت روح و بدن است. روح، به‌مثابه دین، و بدن، مانند سیاست است. (مطهری، ۱۳۶۹: ۱۱ / ۳۱) با تشکیل نظام جمهوری اسلامی، این وظیفه و مسئولیت‌پذیری سیاسی به‌عنوان یک وسیله در جهت پیشبرد اهداف متعالی در نظر گرفته شد. بلافاصله پس از پیروزی انقلاب اسلامی، زمینه برای همه‌پرسی تعیین شکل نظام سیاسی فراهم شد و اولین افرادی که نسبت به این امر مهم، مسئولیت‌پذیری سیاسی داشتند نخست امام خمینی علیه السلام و سپس مراجع تقلید بودند. روحانیون، با شرعی و اسلامی اعلام کردن عمل رأی دادن، بسیاری از پیروان خود را قانع نمودند که این کنش سیاسی یک تکلیف دینی است (نقیب‌زاده و امانی زوارم، ۱۳۸۲: ۲۴۳). به‌عنوان مثال، در پیام آیت‌الله مرعشی نجفی آمده است:

چون انقلاب ایران یک انقلاب اسلامی است، و اکثریت قریب به‌اتفاق مردمان این مملکت مسلمان هستند، امید است مؤمنین آرای خود را به جمهوری اسلامی داده، بار دیگر به این وسیله اتحاد، اتفاق و همبستگی خود را به مرحله ثبوت برسانند (۱۳۵۸/۱۲/۸).

ب) مسئولیت‌پذیری اجتماعی

در بحث از نظام مردم‌سالاری دینی و حاکمیت نظام اسلامی، علاوه بر مسئولیت‌هایی که بر عهده دولت نهاده شده، تکالیفی را هم متوجه تک‌افراد قرار داده است. هر شهروند در برابر دیگر شهروندان دارای مسئولیت است و هرگونه رفتار یا عملی که موجب تهدید به مبانی نظام مقدس اسلامی و یا هرگونه عملکردی که رفتارهای اجتماعی، اخلاقی، و مذهبی را با چالش روبرو سازد، وجدان عمومی و ساخت جامعه را با تضعیف مواجه می‌سازد (Moazami, 2013: 126). بنابراین، مسئله ارزش‌ها و الگوهای آرمانی در واقعیت ساخت اجتماعی مطرح می‌شود.

الگوگیری و الگوسازی، یکی از وجوه ساختاری اجتماعی است که مفهوم اخلاق و مناسبات خاص اجتماع انسانی با دیگران را بازتاب می‌دهد. ارتباط با دیگران، همبستگی اجتماعی و اقتدار وحدت یک جامعه؛ علاوه بر حس مسئولیت‌پذیری، با مفاهیمی اخلاقی نظیر تواضع، حسن ظن، عدالت و سخاوت در ارتباط است تا با الگوسازی و آماده نمودن بستر مفاهیم اخلاقی، اجتماع را با وجدان عمومی همراه سازد. بنابراین، رابطه مردم با روحانیت به صرف رابطه‌ای قانونی منحصر نمی‌شود، بلکه علاوه بر آن، رابطه‌ای

عاطفی و ایمانی است. در دوره تأسیس انقلاب، پذیرش مسئولیت به معنای کام‌جویی از قدرت نبود؛ بلکه به معنای قبول زحمت خدمت به مردم و مسئولیت‌پذیری اجتماعی و در جهت کاهش مشکلات مردم، قرار داشت. همچنان‌که مرحوم آیت‌الله بهشتی معتقد بودند که روحانیت همواره شیفته خدمت‌اند، و نه تشنه قدرت (بهشتی، ۱۳۵۹/۱۰/۲۷). روحانیت در میدان عمل و در صحنه تحولات سیاسی و اجتماعی تلاش جهادی را در برنامه خود قرارداد و در زمینه اقتصادی و اجتماعی و سایر زمینه‌های دیگر نیز به مردم و برای مردم، و در جهت رفع مشکلات آنها، کمک نمود.

سه. حمایت، هدایت و نظارت بر دولت

نقش اجتماعی روحانیت علاوه بر تبلیغ دین و عرصه دین‌داری در جامعه، شامل عرصه مدیریتی جامعه و حفاظت از مرزبندی‌هایی است که چالش‌های دوسویه‌ای را برای نظام و مردم ایجاد می‌کند. توجه به سرمایه‌های اجتماعی و ارزش‌های انباشته شده اسلامی نباید با عبور از کج‌روی‌ها و خط‌قرمزهایی که باعث تضعیف انسجام و همبستگی ملی - اسلامی و وحدت می‌شود، گسترش یابد. لذا، مسئله نظارت، چه از لحاظ نظری و چه عملی، به تعبیر وضعیت مطلوب خواهد انجامید. این مسئولیت به عهده روحانیت است تا با حمایت از اسلامیت نظام و هدایت از اصول، مبانی، ارزش‌ها و نظارت بر عملکرد دولت و پیامدهای آن در دگرگونی‌های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی، به مراقبت و حفظ روابط دولت و ملت بپردازد. بنابراین، با توجه به ضرورت حکومت اسلامی و اجرای احکام اسلام و مقتضای بقای احکام تا قیامت، ضرورت نظارت و هدایت؛ معقول، لازم، و منطقی است (حسین‌زاده، ۱۳۸۷: ۲۱۸).

این نظارت و حمایت، محصول تلاش همه علما و فقها در طول تاریخ پر فراز و نشیب حرکت نظام اسلامی است (Kalantari, 2022: 54). حوزه‌ای که از متن جامعه نشئت‌گرفته شده است و حافظ دین و معارف اسلامی است و تلاش دارد به‌تمامی نیازمندی‌های جامعه شیعه پاسخ دهد. حمایت و نظارت بدون دستیابی به الگوها و سبک‌های ساختاری آرمانی، ممکن نیست. مدل و الگوی آرمانی آن مبتنی بر حکومت امام علی و سیره ائمه علیهم‌السلام است که بر اساس آنها توزیع ثروت، قدرت و دانش به صورتی عادلانه و تحت شرایط مصالح و تدابیر اسلام و با توجه به درک تمدنی و شناخت روابط پیچیده دنیای امروز، صورت‌بندی شده است. نقش روحانیت در مهندسی تمدن اسلامی و پی‌ریزی حکمت حکومتی، بدون تردید لازمه اخلاق حکومتی و نظارت و هدایت بر فقه اجتماعی در دو سطح خرد و کلان اجتماعی است. این امر، بار دیگر با سه مؤلفه حمایت، هدایت و نظارت بر دولت - امت و اصل امر به معروف و نهی از منکر، آگاهی دادن به مسلمانان، افشاء دسیسه‌های دشمنان، در نهادی به نام نماز جمعه، احیاء شد (به‌هدار و ندایی، ۱۳۹۸: ۳۰۵).

نتیجه

با به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی ایران، صحنه سیاست راهبردی و امر سیاسی برآمده از جامعه‌ی دینی، وارد مرحله‌ی نوینی از نهادهای برآمده از جمهوریت نظام و اسلامیت آن شد که روحانیت، به‌عنوان حاملان فرهنگی، سیاسی و اجتماعی انقلاب، از یک جایگاه کارکردی و ساختاری، جهت کارویژه‌های معنایی، مضمونی و نظری برخوردار شدند که بستر لازم را جهت «تأسیس» آن فراهم آورد. این تأسیس، چهار کارکرد سازگاری، دستیابی به هدف، حفظ الگو و یکپارچگی را شامل می‌شود که علاوه بر جایگاه مستقل هر کدام، دارای روابط متقابل با یکدیگر بوده و موجب حفظ و موجودیت انقلاب، تقویت وحدت، و افزایش همبستگی ملی و اسلامی می‌شود. حفظ و نگهداری از بار معنایی «انقلاب»، ارتباط تنگاتنگی با دلالت بنیادین و چرایی خود انقلاب به‌عنوان چرایی آن در مقابل رژیم سلطنتی و برپایی نظام جمهوری اسلامی دارد که این مهم به‌وسیله رهبر انقلاب و روحانیت، انجام پذیرفت. پس از مرحله پاسخ به چرایی و تفهیم معنایی انقلاب، مسئله «وحدت» و تک‌صدایی (در معنای مثبت آن)، که با احیاء مفاهیم سنتی - اسلامی که کارکردی عملی، واقعی و بومی دارد، مفاهیمی چون برادری (اخوت)، رضایت، شورا، امر به معروف و نهی از منکر، استقلال، مبارزه با استعمار و استثمار، عدالت و استصلاح، بر جامعه در دو بُعد سیاسی و اجتماعی گسترش یافت. نفوذ و گسترش این مفاهیم، که در سطوح نظری، معنایی و مضمونی توسط روحانیت تولید می‌شود، برآیندی جز افزایش همبستگی اسلامی و ملی ندارد؛ چراکه توده‌های مردم با تحسین و الگوگیری اخلاقی و اجتماعی از رهبران جامعه به‌مثابه اسوه‌های انقلابی، با تشبیه زندگی خود به آنها، فضیلت، اخلاق، عدالت و نگاه جدید به سیاست، به تعریف نوع ویژه‌ای از اهداف پرداختند که تعالی، رستگاری، و استمرار و پیوند قدرت سیاسی و اخلاقی‌سازی، از جمله آنها است. بنابراین، نیروی روحانیت توانست این سه مؤلفه بنیادی حفظ، تقویت و همبستگی را با تأسیس نظام اسلامی پیوند زند و به استمرار آن کمک نماید. در مجموع، قانون‌گذاری و تفسیر فقهای شورای نگهبان، مدیریت درست حکمرانی اسلامی با سازوکارهای قانونی، تنظیم روابط ساختاری بین اجزاء و کارویژه سیاست‌گذاری در تعامل میان برون‌دادهای اجرایی فرایند سیاسی، توانست علاوه بر جلوگیری از تغییرات بحران‌ساز، و ارائه راه‌حل، نهضت را به نظام تبدیل کند. همچنین، کارکردهای چهارگانه فوق، مطابق الگوهای رفتاری عینی و ذهنی اسلامی در ایفای نقش‌های اجتماعی و نهادهای برآمده از قانون اساسی فرایند جامعه‌پذیری سیاسی را تقویت و از کارکردهای منفی امر سیاسی، جلوگیری به عمل آورد.

منابع و مأخذ

۱. آزاد ارمکی، تقی، ۱۳۸۹، *نظریه‌های جامعه‌شناسی*، تهران، سروش، چ ۶.

۲. امام خمینی، روح‌الله، ۱۳۷۸، «سخنرانی در جمع اعضای شورای عالی قضایی (برخورد قاطع با شرارت‌ها و توطئه‌ها)»، در: *صحیفه امام*، ج ۱۳، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر امام خمینی علیه‌السلام، ص ۵۲-۴۶.
۳. امام خمینی، روح‌الله، ۱۳۷۸، «سخنرانی در جمع اقشار مختلف مردم (حفظ وحدت کلمه)»، در: *صحیفه نور*، ج ۷، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه‌السلام، ص ۶۴-۶۲.
۴. امام خمینی، روح‌الله، ۱۳۷۸، «سخنرانی در جمع کارکنان پخش رادیو (رادیو و تلویزیون)»، در: *صحیفه امام*، ج ۹، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه‌السلام، ص ۴۵۸-۴۴۹.
۵. امام خمینی، روح‌الله، ۱۳۷۸، «سخنرانی در جمع مردم (نتایج مبارزات ملت - تأکید بر «جمهوری اسلامی»)»، در: *صحیفه امام*، ج ۶، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه‌السلام، ص ۲۷۹-۲۶۹.
۶. ایزدهی، سید سجاد، ۱۳۸۹، «قبض و بسطی در دیدگاه فقهی روحانیت نسبت به نظام سیاسی»، در: *روحانیت و انقلاب اسلامی*، ج ۱، به اهتمام عبدالوهاب فراتی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی و معاونت پژوهشی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ص ۱۱۰-۵۱.
۷. ایزدی، مصطفی، ۱۳۶۱، *یادنامه شهید منتظری*، تهران، انتشارات و تبلیغات فرهنگ انقلاب اسلامی.
۸. بهدار وندبانی، غلامرضا، ۱۳۹۸، *تاریخ ایران پس از انقلاب اسلامی: از پیروزی انقلاب تا تصرف سفارت آمریکا*، ج ۱، تهران، مؤسسه فرهنگی هنری و انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۹. بهروز، مازیار، ۱۳۸۰، *شورشیان آرمان‌خواه: ناکامی چپ در ایران*، ترجمه مهدی پرتوی، تهران، ققنوس.
۱۰. بهروزلک، غلامرضا، ۱۳۹۲، *ولایت فقیه در کلام سیاسی شیعه*، قم، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها؛ دفتر نشر معارف.
۱۱. بهشتی، سید محمدحسین، سخنرانی، ۱۳۵۹/۱۰/۲۷، دسترسی: <https://library.tebyan.net/fa/Viewer/Text/87595/48>
۱۲. پورزکی کلویر، گیتی، ۱۳۹۲، «اسلام سیاسی: تحلیل زمینه‌گرا»، در *دایرةالمعارف جنبش‌های اسلامی*، به اهتمام *محمد رضا حاتمی و مرتضی بحرانی*، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۱۳. حاجی حسن، ملیحه و زاهد غفاری هاشجین، ۱۳۹۷، «مؤلفه‌های امام خمینی علیه‌السلام در فرایند انقلاب اسلامی، با تأکید بر بُعد بنیان‌گذاری»، *فصلنامه پژوهش‌نامه انقلاب اسلامی*، سال هشتم، ش ۲۹، زمستان، ص ۴۳-۲۳.
۱۴. حسین زاده، علی محمد، ۱۳۸۷، *فقه و کلام*، تهران، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۵. خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۷۹/۷/۱۴، *بیانات رهبری*، دیدار در جمع طلاب مدرسه فیضیه قم، تهران، دفتر نشر و آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای، قابل دسترسی در: <https://khl.ink/f/21451>

۱۶. خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۵۸/۵/۲۴، *بیانات رهبری*، به مناسبت شب بیست و یکم ماه رمضان، تهران، دفتر نشر و آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای، قابل دسترسی در: <https://khl.ink/f/50069>
۱۷. خامنه‌ای، سید علی، *مصاحبه با روزنامه کیهان*، ش ۱۰۶۴۴، مورخ ۱۳۵۷/۱۲/۳، ص ۵.
۱۸. دنگچی، مهدی، ۱۳۹۴، «احیای تمدن اسلامی از نگاه امام خمینی و مقام معظم رهبری»، *فصلنامه فرهنگ پژوهش*، ش ۲۲، ص ۳۲-۵.
۱۹. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال و فیروزه رادفر، ۱۳۸۹، *الگوهای صدور انقلاب در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۸۹.
۲۰. دیگار، ژان پیر و برنارد هورکاد یان‌شایر، ۱۳۷۷، *ایران در قرن بیستم؛ بررسی اوضاع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در یکصد سال اخیر*، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران، البرز.
۲۱. رضوی، سید مسعود، ۱۳۹۷، *تاریخ سیاسی در ایران از انقلاب تا جنگ؛ هاشمی و انقلاب*، تهران، اطلاعات.
۲۲. رفیق دوست، محسن، ۱۳۹۳، *برای تاریخ می‌گوییم: خاطرات محسن رفیق دوست*، به کوشش سعید علامیان، تهران، شرکت انتشارات سوره مهر.
۲۳. ریتزر، جرج، ۱۳۹۲، *مبانی نظریه جامعه‌شناختی معاصر و ریشه‌های کلاسیک آن*، ترجمه شهناز مسمی‌پرست، تهران، نشر ثالث.
۲۴. سید باقری، سید کاظم، ۱۳۸۸، *فقه سیاسی شیعه، سازوکارهای تحول در دوران معاصر*، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲۵. سید باقری، سید کاظم، ۱۳۹۳، *عدالت سیاسی*، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲۶. شوکت، حمید، ۱۳۸۰، *نگاهی از درون به جنبش چپ ایران؛ گفتگوی حمید شوکت با مهدی خان بابا تهرانی*، مصاحبه‌کننده حمید شوکت، تهران، انتشار.
۲۷. صلح میرزایی، سعید، ۱۴۰۱، *جهاد تبیین در اندیشه حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای*، گردآورنده سعید صلح میرزایی، تهران، انتشارات انقلاب اسلامی.
۲۸. طباطبایی، صادق، ۱۳۹۲، *خاطرات سیاسی - اجتماعی دکتر صادق طباطبایی*، ج ۳، شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام و مؤسسه چاپ و نشر عروج.

رویکرد جامعه‌شناختی به نقش روحانیت و امر سیاسی در تأسیس انقلاب اسلامی □ ۶۷

۲۹. فراتی، عبدالوهاب، ۱۳۸۹، «الگوی تعامل روحانیت و دولت اسلامی از منظر امام خمینی»، در: *روحانیت و انقلاب اسلامی*، ج ۱، به اهتمام عبدالوهاب فراتی، قم، معاونت پژوهشی و پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۳۰. فراتی، عبدالوهاب، ۱۳۹۰، *روحانیت و سیاست: مسائل و پیامدها*، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۳۱. فیرحی، داود، ۱۳۸۸، *دین و دولت در عصر مدرن (دولت، مشارکت و مشروعیت)*، ج ۲، تهران، رخ داد نو.
۳۲. کدی، نیکی. آر، ۱۳۶۹، *ریشه‌های انقلاب ایران*، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران، قلم.
۳۳. کرایب، ۱۳۹۳، *نظریه‌های اجتماعی مدرن: از یاسپرس تا هابرماس*، ترجمه عباس مخبر، تهران، آگه، چ ۹.
۳۴. کریمی، عزیزه؛ زاهد غفاری هاشجین و مهدی بهرامی، ۱۳۹۴، «کارکردهای سیاسی نهاد مرجعیت از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی»، *فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی*، سال دوازدهم، ش ۴۳، ص ۱۲۰-۱۰۱.
۳۵. محمدپور، احمد، ۱۳۹۷، *ضد روش: زمینه‌های فلسفی و رویه‌های عملی در روش‌شناسی کیفی*، ویراست دوم، قم، لوگوس.
۳۶. مرعشی نجفی، شهاب‌الدین، «به جمهوری اسلامی رأی بدهید»، *کیهان*، ش ۱۰۶۶۹، مورخ ۱۳۵۸/۱/۸، ص ۷.
۳۷. مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۹۰، *پرسش‌ها و پاسخ‌ها*، ج ۱، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه‌السلام.
۳۸. مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۹۱، *نظریه سیاسی اسلام*، ج ۱، (مشکات)، تحقیق و نگارش کریم سبحانی، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه‌السلام.
۳۹. مطهری، مرتضی، ۱۳۶۹، *امامت و رهبری*، تهران، صدرا.
۴۰. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۴، «معنویت در انقلاب اسلامی»، در *پیرامون انقلاب اسلامی*، تهران، صدرا، چ ۱۱.
۴۱. ملکوتیان، مصطفی، ۱۳۸۷، *بازخوانی علل وقوع انقلاب اسلامی در سپهر نظریه‌پردازی‌ها*، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

۴۲. مهدوی کنی، محمدرضا، ۱۳۸۵، *خاطرات آیت‌الله مهدوی کنی*، تدوین غلامرضا خواجه سروی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۴۳. میری، سید مجتبی؛ خلیل بهرامی قصر چمی و مسعود جعفری‌نژاد، ۱۴۰۱، «بررسی رابطه دولت و ملت در الگوی اسلامی از دیدگاه امام خمینی و امام خامنه‌ای»، در: *ماهنامه علمی جامعه‌شناسی سیاسی ایران*، سال ۵، ش ۱۱، ص ۱۶۸۸ - ۱۶۷۰.
۴۴. نجف‌زاده، مهدی، ۱۳۹۵، *جابه‌جایی دو انقلاب: چرخش‌های امر دینی در جامعه ایرانی*، تهران، تیسرا.
۴۵. نصری، محسن، ۱۳۹۱، *ایران: دیروز، امروز، فردا*، (ویراست دوم)، تدوین نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، قم، دفتر نشر معارف.
۴۶. نقیب‌زاده، احمد و وحید امانی زوارم، ۱۳۸۲، *نقش روحانیت شیعه در پیروزی انقلاب اسلامی*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۴۷. واحد فرهنگی بنیاد شهید انقلاب اسلامی، ۱۳۶۱، *او به‌تنهایی یک ملت بود*، تهران، بنیاد شهید انقلاب اسلامی، واحد فرهنگی.
۴۸. وحدت، فرزین، ۱۳۹۰، *رویارویی فکری ایران با مدرنیت*، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه، تهران، ققنوس، چ ۳.
۴۹. یحوی، حمید و سهیلا رحیمی، ۱۴۰۰، «تاریخ تحول معنایی مفهوم انقلاب و تأثیر آن بر تولد اسلام سیاسی»، *رهیافت سیاسی و بین‌المللی*، سال ۱۳، ش ۲، ص ۳۵ - ۱۱.
50. Amanat, Abbas, 2017, *Iran A Modern History*, New Haven&London, Yale University Press.
51. Charteris - Black, Janathan, 2007, *The Communion of Leadership: The Design of Leadership Style*, NY: Routledge.
52. Ghobadzadeh, Naser; Akbarzadeh, Shahram, 2020, Religionization of Politics in Iran: Shi'I Seminaries as the Bastion of Resistance, *Middle East Studies*. 56: 4, p. 570 - 584.
53. Kalantari, Mohammad R, 2022, *The Clergy and Modern Middle East: Shi'i Political Activism in Iran, Iraq and Lebanon*, NY: I. B. Tauris.
54. Moazami, Behrooz, 2013, *State, Religion, and Revolution in Iran, 1796 to the Present*, NY: Palgrave.
55. Parsons, Talcott, 1932, "Economics and Sociology: Marshall in Relation to the Thought of His Time", *Quarterly Journal of Economics*, 46 (2), p. 316 - 347.
56. Parsons, Talcott, 2005, *The Social System*, Editor by Bryan S, Turner, Routledge,
57. Savage, Stephen, P, 1978, "Political Power and Political Subsystems: Parsons' Analysis of Politics", *Economy and Society*, 7: 2, P. 157 - 174.